صاحب امتیاز و مدیر
امیر سلیمان عظیما
زیر نظر هیئت تحریریه

اپادانا

چاپ اداره خیابان لاله‌زار کوچه نکیسا شماره ۲۳

سال اول شماره ۳
۵ شنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۲۹
تکشماره ۲ ریال



روز نابودی دستگاه حاکمه آغاز پیروزی ملت ماست

وندانهای کلید شده ،گونه های فرو رفته ،رخساره های پریده رنگ و دست های لرزان توده ملت ما نشان دو بدبختیها وتیره روز بیهائی است که‌سال زیستن در بند دولت بیگانه خواه تهران به‌پیش آورده است . **این دستگاه آزادی کش و نابکار پرورلکه های سیاهی بدامان میهن ما پاشیده است که جز باخونهای سرخ شسته نخواهدشد**

امروز درهنگامیکه دهقان کرمانی طلمهای بیابان را مثل راحت الحلقوم میجود بلوچ در بدراز گرسنگی وبرهنگی می نالد. کارگر اصفهانی‌ازبیکاری وستم سرمایه داران فریاد میکند یا برهنگان آذربایجانی از جور فرستادگان حکومت تهران بجان آمده اند سران دستگاه حاکمه جامهائی‌را که‌ازخون‌مردم لبریز کرده‌اند نوش جان کرده باآهنگ های شهوت انگیز بر پیکرهای بیجان برهنه ها و گرسنه های‌ایرانی میرقصند

عیش و نوش هوس انگیز وشبانه روزی اینها وتیره بختی و شور کامی ملت ما ناهم آهنگیهائی بدید آورده **که‌جز با درهم ریختن شالوده کاخ ستمگری وسرمایه‌داری دشمنان ملت نابود نخواهد شد**

امروز گروه گروه از مردم فلاکت زده ایران در سایه کاخ های سر باسمان کشیده یغماگران دولتی در حالیکه جان میدهند ناله های غیرت‌ و گرم سینه های مستانه و بی بندوبار دشمنان خود را می شنوند هیئت حاکمه برتمش دزدان میهن بنای سعادت خودرابرآورده است ولی‌این ستمگریها وزورگوئیها روزبروز ملت‌ما را بسوی انقلاب پیش میرد

یغماگران دولتی باید بدانند بیگانه خواهی و بیدادگری‌ایشان‌جز نزدیک کردن توده‌برا کنده مردم بهم‌پایانی ندارد **و گروه های پخش و دور از هم امروز ،فردا بصورت یك انبوه استوار و افشرده بسوی یك هدف بزرك و تغییر ناپذیر پیش خواهندرفت**

وعدو وعید های لوس وبیمزه‌هیئت حاکمه هرگزنخواهد توانست‌ملت‌ما را از تنها راه خود یعنی«اتحاد - انقلاب - انتقام» بر کنارداشته آنانرا‌به‌این‌دولت بیگانه‌خواه‌امیدوار سازد.

ملت ما پس‌از پیوستگی و یگانگی راهی رادنبال خواهد کرد که‌خواست ها و نیازهای اورابرآورده راهی را که ملت‌ما بر گزیده انقلاب خونینی است که دشمنان ایران حتی از شنیدن نام‌آن بخود میلرزند ،از این‌نبرد تنها گلگون کفنان توده پیروز وسر افراز بیرون خواهند آمد، در این رزم ملی آنها که کوس رسوائی خودرا برسربازار های جهان کوبیده‌اند از بلندی کاخهادورافتاده و برفراز دار ها خواهند رفت ، رزمندگان انقلاب ، **انتقام خود را از کسانی خواهند کشید که بدشمنی باملت افتخار کرده دربدری** مردم را بزرگترین خوشبختی خودمیدانند مردمی که فشار در بدریها وشوربختیها چشمهایشان را یك کاسه خون ساخته ، پشت‌هایشان‌راخم کرده،پیکرهایشان‌را بلرزه آورده است‌**امروز بجائی رسیده‌اند که بجای خون‌آرزوی انقلاب در رگهایشان دور میزند**

ما چون برای آزادی و بزرگی میهن خویش برزم بی گیرو ریشه‌داری‌سر سپرده ایم در راه ملت دلاور ایران آماده هرگونه جانبازی وفداکاری بوده‌برق سرنیزه های دولتی را یاری گرفته فریاد انقلاب در میدهیم

پیش بسوی انقلاب:
برای زیست آزادی درایران بزرك

تیمسار کبیر هم رسوا شد

هفت ماه و نیم پیش جناب حاجی سپهبد مصلح کبیر! با سلام وصلواة جامه پر زرق و برق تیمساری رابوسیده کنار گذاشت‌وقامت رشید! ودلارای! خودرا با لباس صدر اعظمی زینت بخشید هفت ماه ونیم پیش آقای رزم آرا شوشکه‌و قداره خودرا باز کرده گفت که من از امروز میخواهم بر کرسی نخست وزیری تکیه زده این مملکت را اصلاح نمایم زیرا میدانم که جز با کوشش وتلاش من این جهنم دره رشك بهشت برین نخواهد شد ...

توده مردم که مدتهاست چشم‌امیدی باین دستگاه ندوخته ومیدانند که این امامزاده معجزه نمیکند ، از وعده وعید تیمسار نیز روزنه امیدی درسینه خود نیافتند ، اما پاره‌ای کور بینان کوته اندیش قول وقسم آقای رزم آرا راباور کرده و گمان میکردند که علی آباد شهری است و اگر جناب تیمسار زمام امور را چند روزی در کف با کفایت خویش بگیرد پس ازچند هفته دستگاه دولتی ماچنان دگر گون خواهد شد که حتی کشور های بزرك ودور دست دنیا تشکیلات اداری تازه خود را ازما تقلید خواهند کرد ولی ملت ایران درحدس **خود اشتباه نکرد ، زیرا یکملت هرگز بخطا نمیرود ، ملت‌ایران میدانست که اگر آقای رزم‌آرا آستین های خودرا بالازده‌است برای اصلاح امور نیست بلکه این آستین بالازدن برای قصابی های تازه ای است**

آقای رزم آرادر روز های نخستین که اریکه صدارت عظمی را بوجود مبارك خویش مزین فرمود ، بمردم تیره روز ودربدر ایران میگفت که اگرملت ما درکام بدبختی وناتوانی افتاده تنها بخاطر آنستکه تا حال من قدم رنجه نفرموده و پست صدارت عظمی راقبول نکرده‌ام ، ولی دیگر از امروز کارها وارونه شده ،چرخ دولت بکام ملت‌دور خواهدزد آقای‌رزم آرا در همانروز ها در رادیوودانشکده حقوق‌وهزار جای دیگر بمردم وعده میداد که پس‌از ۶ ماه ایران را بجائی خواهم رسانید که‌روس و آمریکا باچشم های دریده ، مات و مبهوت بکارما و ملت مانگریسته و از حسرت مجبور شوند مرا برای مدتی‌بسمت مستشار سیاسی و اقتصادی بکشور های خود دعوت نمایند . مانده‌درصفحه ۲

واگذاری زمینهای کشاورزی و مسئله نفت

ازچندی پیش که مبارزه آتشین و وقفه ناپذ ملت ایران برای ملی کردن صنعت نفت در گیرشد ، خداوندان نفط و سیاست نیزنیرنك بازیها ودسائس‌بسیاری رابرای بی‌اثر گذاردن مبارزه مردم‌ایران آغاز کردند.

نقشه تجزیه ایران زیر‌ظاهر فریبنده «انجمن‌های ایالتی وولایتی» و«واگذاری اختیارات شهرستانها‌بدست مردم» خطرناك ترین وشاتانه ترین نقشه هائی بود که درسالهای اخیربدست رجال بیگانه‌پرست مادداده شده نظرارباب نفت این بود که انجمن ایالتی خوزستان خودرا از دولت مرکزی کنار کشیده ویك شیخ عرب را علم کنند که بادولت انگلیس از جانب خوزستان ، یابقول نوکران عراقیشان از جانب «عربستان» قرارداد به‌بندد. این نقشه خائنانه با مبارزه شدید و دندان شکن ملیون ایران ، چه درمجلس‌وچه دربیرون ، برخورده وسرانجام مسکوت ماند. اما آشکاربود که گفتار فرتوت استعمار باین آسانی بازی رانمیبازد

نمایشنامه هائی که درقرن نوزدهم درجا مانده ترین مستعمرات ، خوب از آب درآمده بود ، یکی پس از دیگری بازی میشد. دغلبازی ملی ، رجال صدر مشروطیت وچپ نما های پیشتاز همگی بصورت هنرپیشگان این نمایشنامه هادر صحنه سیاست نمودارمیشدند. نمایشنامه‌نان وگوشت بطور مکرر بازی شده وخیلی لوس بودتراژدی حصبه وآب آلوده هم آنطوریکه بایدوشاید از جانب مردم استقبال نشد که‌ناگاه آژیر جنك جهانی سوم از حلقومهای خارجی استعمار طنین افکند. نیراردادن «سران پیشتازخلق»وهمهمه انقلاب علام بجبالی نیزمردم رااز اندیشه ملی کردن نفت دورنکرد .

تبلیغات‌دامنه‌دار رادیوی تهران‌اتفاق وروزنامه های‌مزدور برای اتحادواتفاق وجلو گیری از ایجاد تشنج نیز مردم را قانع‌نکرده چون‌هیچ ایرانی‌حاضر نبود بخاطر اتحاد با هیئت حاکمه:

از ملی کردن صنعت نفت چشم بپوشد برای ایجاد انحراف در مبارزه دامنه‌دار وپرشور مردم ایران‌برای ملی کردن نفت، ناچار باید‌دباغ‌نیز‌دیگری نشان داد«بسیار خوب» واگذاری‌زمینهای کشاورزی بکشاورزان موضوع خوبی است .

با این نقشه نه تنها میتوان مبارزه نفتی مردم ایران را دوشاخه و منحرف ساخت وجنك نفت‌را تبدیل به جنك کشاورزی کرد بلکه‌برای بستن‌مجلس که بیشتر نماینده گانش زمین داران‌بزرك وبقول خودشان مالك‌زمینهائی به بهنای خاك سویس‌هستند‌وقطعا بالایحه‌واگذاری زمینهای کشاورزی بکشاورزان مخالفت مانده در صفحه ۳

بررسی روزنامه‌ها

آوردن وبردن «نقیه کبیر» !

جدائی هیئت حاکمه ازملت - انقلاب خونین‌ودریچه‌های اطمینان سیدابراهیم قرآن‌خوان - اقدام شاه‌واستفاده‌شرکت نفت - تحسین انگلیس وآمریکا - رزم‌آرایامرد عصب سوخته - زانگنه یاقصاب آزادی- روزنامه‌های‌روسی ازبان فارسی-انسان توده‌ای نفت‌و پیشتازان

در اینهفته روزنامه‌ها بمناسبت پیش آمدن پانزدهم بهمن‌و فرمان اخیرشاه بیشتر درباره سلطنت‌وشخص شاه گفتگو کرده وحتی گاهی ازانقلاب سرخ‌و سفید نام‌برده‌اند.

روزنامه «دازادی» زیر عنوان «اعلیحضرت باید از سرانجام پدر خود عبرت بگیرند» پس‌ازبحثی‌درباره‌آوردن وبردن «نقیه کبیر !» بدست انگلیسها می‌پرسد«چگونه‌وقتی‌انگلیسها او را از تخت سلطنت فرودآورده یکشتی نشانده و از کشور خویش که‌بزعم خود آنهمه درراه اصلاحش فداکاری کرده وباعتقاد خودش‌برخلاف مردم‌آن‌حکومت‌میکرده بصورت اسیر بیرون بردند

نه تنها از کسی‌صدای‌مخالفتی بیرون نیامد بلکه اوخودش‌هم‌روی‌آن‌رانداشت که ازاین‌ملت یاری بخواهد وحتی خدا حافظی کند»

و سر انجام در بیاره فتنه انگیزی درباریان شاه کنونی مینویسد :

«من‌حتم دارم که ادامه نصیحت پذیری ایشان از این گروه خائن و بی عاطفه جدائی ایشان از مردم نتیجه‌اش مانده در صفحه ٤

بلوچستان دریوغ پاکستان

پس ازجنك جهانگیر دوم که امپریالیسم جهانخوارانگلستان در برابر رزمندگان آزاده هندی بزانو درافتاد برای آنکه پای اوازسرزمین زرخیز هندوستان بریده نگردد دستور کهنه **«جدائی بنداز وفرمانروائی کن»** رادر باره‌پاکستان‌ویکمشت مشتی فریب خورده دولت دست نشانده پاکستان‌را در کراچی بپا افکند وبرای ایرومند ساختن‌آن بلوچستان خاوری راکه بازور ونیرنك ازایران جدا کرده بود بخو میبرد دولت بیگانه خواه تهران نیز فرصت گرانبهائی راکه برای باز گرداندن بلوچستان پدیدآمده بود نادیده گرفت و به فرمان کناره نشینان آرمند تایمز دست دوستی بسوی دولت پوشالی پاکستان دراز کرد .

امامِلت‌زنجیر شده‌ایران هرگز پیوستگیهای ملی وتاریخی مردم‌بلوچستان رابانورد ازیادنبرده دیریازود **سراسر فلات‌ایران رااز گرداب هولناك جدائی رهائی بخشیده زیست آزاد خود را در ایران بزرك آغاز میکند .**

اکنون مابرای نمایان ساختن پیوندهای ناگسستنی بلوچستان باایران پس ازیادآوری پیشینه تاریخی‌این سرزمین چگونگی جدا افتادن آنرا ازمام میهن باز می کنیم .

پیشینه‌تاریخی بلوچستان

درزمان گذشته ازاین سرزمین بدونام یادشده نخست «گیدروسیا» که بیشتر درتاریخهای یونانی آمده است چنانکه «آریان» درتاریخ خود از لشکر کشی اسکندر باین سرزمین ودرپانوردی «نیارخوس» در کرانه های آن سخن گفته .

دوم : «مکا» که در سنك نبشته بیستون داریوش‌آمده و هرودوت در تاریخ خود آن را «مکیا» خوانده که پس از چیرگی عرب بر ایران «مکوران» گفته .

اما پس ازجای گرفتن بلوچ ها در این مرزوبوم نام بلوچستان بر آن داده شد .

نخستین قومی از ایرانیان که دراین سرزمین فرودآمد قوم «جت» بود که پس ازروی‌آوردن بلوچ هابدین سامان دردره سند پراکنده گشته‌اند اماقوم بلوچ خود بروزگار باستان در کرانه دریای‌مازندران میزیسته که پس ازتاختن «هونها» بایران درزمان‌پادشاهی‌انوشیروان دادگربکوههای سیستان‌و کرمان روکرده وسرانجام درانرفشارترکان غزنوی وسلجوقی ازآنجا گریزان شده‌ودر جایگاه کنونی خودقرار گرفتند مانده در صفحه ٤

مشهدی غضنفر باچپق و کیسه توتون خود برای علم کردن

يك حزب بزرك نقشه کشی میکند

راستی که تهران شاآدم را خسته میکند آخراین«دارالخلافه» چه‌دارد؟ از یکمشت زرق وبرق پوچ وتوخالی که بکتریم بازهمان بدبختی‌ها ودربدری‌ها چشم‌ما می خورد که در سراسر ایران وجود دارد

تنك‌غروب که‌میشود آدم‌عزا میگیرد شب‌ راچگونه‌بگذراند که باو‌خوش‌بگذرد آنها که اهل «جاهای‌دیگر» نیستند بخود میگویند امشب بسینما میرویم ولی‌فیلم های رنك وروغن ومسخره امریکائی که بازارایران راگرفته و دل همه را بهم میزند تاتر های تهران هم عموما دلقك بازیهای عهد شاه‌اکان مشتوررا بی دربی روی‌ «سن» می‌آورند کافه‌ها وکاباره‌های پایتخت هم که جای‌آدم حسابی نیست و تاگردن کلفتهای بی معرفت وجود دارند مارلواه نیدهند‌ماهم مجبوریم یکراست ازخانه‌قهوه خانه مشهدی غضنفر‌نیاسوف وطنی ورفیق‌عزیز خودمان برویم‌تاماهم ازمحضر گرم او استفاده برده بدانیم که مردم چه میگویند توده واقعی ملت چه عقیده ونظری درباره سیاست واوضاع مملکت خودشان دارند .

راستی مثل اینکه باباطاهرشاعر خوشگوی همدان هم مدتها بقهوه خانه مشهدی غضنفرمی‌آمده و گرنه نمیگفت بیاسوته دلان گردهم‌آئیم

برای اینکه دراین‌دکان کوچك‌وخودمانی همه‌شب(سوته‌دلان) چندتن همدلی پراز دردوارند ،همه‌از دستگاه چرخ کون ومکان ناراضیندهم‌نالان وپریشان وزاروافسرده اند بهر گوشه دل‌هر کدام آنها که‌دست بگذاریم یکدنیادردو رنج روی‌هم‌انباشته شده‌است.

هفته پیش نمیدانم غروب سه شنبه مانده در صفحه ۲

یکهفته درایران وجهان

در ایران ما

درهفته گذشته فرمان واگذاری (زمینهای پهلوی) بکشاورزان جنجال بزرگی براه انداخت که‌ارزش دیگررخ دادهای سیاسی راناچیز کرد ودر نی آوازمیداران بزرك که گوششان‌شنیدن اینگونه شوخی ها آشنا نیست گردم آمد .هواداران باین اندیشه هارا مرکوب کرده کاخ ستمگری خود را همچنان استوار دارند.

ازاینرو یکسانی که برای‌خوش‌آیند دربار لب‌بستایش فرمان شاهانه گشودند خشم گرفته برای‌خاموش ساختن ایشان پاشه‌بنرا پیش کشیده می‌خواستند‌چپاول گری خود را دستور اسلام جلوه دهند گروهی مردم خوش باور نیز که رنج خواندن فرمان شاهانه‌رابخود نداده‌آنرا براستی‌آغاز پیدایش‌ دگرگونی‌بزرك میدانند امازهم اکنون بخوبی پیداست که این فرمان باری ازدوش کشاورزان‌ستمدیده میهن ما برنداشته حربه تیزرك سیاسی مانده در صفحه ۲

درجهان ملتها

درهفته گذشته آتش‌جنك کره‌بسختی شعله ور بود و سربازان امریکائی می کوشیدند پیش‌از آنکه کمونیست‌ها‌ایستادگی سرسختانه ای‌آغاز کنند، شهرسئول را ازچنك آنها بیرون کشند اما هر اندازه سپاهیان امریکا بپایتخت کره جنوبی که امروز تلی ازخاك آغشته بخون می‌باشد نزدیکتر میشوند پیشروی آنها کندتر میگردد وبرسر هر دهکده جنگهای تن بتن درمی گیرد با این همه ستاد ژنرال مك‌آرتور پاینده خوشبین بوده باز پس رفتن سپاهیان چین سرخ‌رانامدار ۳۸ درجه بی چون وچرا می داند از اینرو درباره گذشتن‌ازاین‌مدار باردیگرجنجالی شگفت بپا خواسته اما بگمان ما گفتگو درپیرامون این کار پیش‌ازهنگام خودصر گرفته ورسیدن سربازان امریکائی‌بمدار ۳۸ درجه با این سادگی ها انجام نمی پذیرد .

دراین میان دولت امریکا میکوشد مانده در صفحه ۳

نامه های مردم بما

شاهکار ادبیات مکتب ماتریالیسم

فاشیست ومزدور امپریالیست ـ سبك تازه

مبارزه پی گیر پیشتازها در دبیرستان بوعلی ـ روز فرخنده انقلاب ـ عنصر بندجیمی بنگاه راه آهن ـ کشور جم وجنبش ملت خواهانه ـ فکاهیات پزشك بیماری روحی ـ حزب نبرد ایران وجبهه ملی ـ بیداری شهرستانها ـ آهنگهای مرگبار

چندسال پیش در روزنامه «مردم» مقالاتی پر آب وتابی درباره ادبیات مکتب ماتریالیسم منتشر میشد که مانند یاوه گوئیهای پیشتازان سفسطه آمیز و مضحك بود ولی درهفته پیش پس از انتشار نخستین شماره آپادانا نامه یکی ازجوجه پیشتازان بما رسیده تازه پس از چندسال بمعنی ومفهوم سفسطه های توده‌ای ها درباره ادبیات اختراعی آنها پی بردیم زیرا بایك شاهکار ادبیات ماتریالیسم روبرو شدیم .

جوجه پیشتاز مادراین نامه کلمات وتعبیرات ویژه بلندگوهای توده‌ای بکار برده ومدیر عزیزما را که جزملت پرستی گناهی ندارد «فاشیست» و «مزدور امپریالیست» خوانده ما ازخشمگین کردن توده‌ای ها ودیگر دشمنان ملت بخود میبالیم ولی جوجه پیشتاز قهرمان خود را بیگناه می دانیم تقصیر همه از هیئت حاکمه کمونیست پرور وکمیته چی ها وپیشتازان گریزپای سفسطه بافی است که جوانان مارا بیراهه می برند اما امروز ملت ما بپا خاسته است تامدرسه هیئت حاکمه ومکتب حزب توده را که در مسموم کردن اندیشه های مردم همکاری میکنند درهم ریخته وبجای مدارس فرهنگ استعماری، آموزشگاهی باز کند که نونهالان ملت رابرای زندگی آزاده وشرافتمندانه ونبرد درراه راستی ودرستی آماده کند

ما فاشیست نیستیم ولی اگر درقاموس پیشتازان ملت پرستان ورزمندگان ملت خواه رابااین نام بخوانند دراینصورت ازآن فاشیستهای دوآتشه وپروپاقرص هستیم که همه چیز خودرادرراه ملت خویش فدا میکنیم

آقای م**** دانش آموز دبیرستان بوعلی

می‌نویسد: توده‌ای ها مدرسه مارا مرکز توده‌بازی‌ها وده گریهای خود قرار داده و آموزگاران توده ای دبیرستان در کلاسها تبلیغات کمونیستی می کنند ولی این آموزگاران به سبك جدید و کودکانه‌ای برای مبارزه با دانش آموزان روشن بین وملتخواه دست زده بهر کس که در برابر سفسطه های دیالکتیکی آنان سرفرو نیاورد سعی میکنند باکم دادن نمره‌های درسی او را صف پیروان کوته اندیش خود درآورند.

این مبارزه پی گیر و بی امان «توده‌ای‌ها» در دبیرستان بوعلی میرساند که توده ایها در همه کار «پیشرو» «پیشتاز» بوده و حتی چگونگی مبارزه آنها نیز با نبرد «آدم ها» تفاوت دارد ولی ماطمینان داریم که این گمراهان با کجرویها و زشتکاری های خودنخواهند توانست ملت ایران‌را ازنبرد دریشه داری که در پیش گرفته است بدوراندازد .

آقای رفیع محمدی

درنامه سرگشاده ای که برای ما فرستاده درباره نادرستی ها ودزدی‌های آقای مصطفی عامری در بنگاه راه آهن شرح مبسوطی نوشته و «شایعه انتصاب آقای مصطفی عامری را بمدیریت اداری بنگاه باعث انزجار ودلسردی کارمندان راه آهن» دانسته است ما بدان سبب که دولت در همه جا با خواست مردم دشمنی میکند خرسندیم زیرا این دو کانگی هارا مقدمه واژگون شدن کاخ بیدادگری هیئت حاکمه میدانیم ما در شماره های آینده با بدست آوردن اطلاعات بیشتری در باره نادرستی های آقای مصطفی عامری گفتگو خواهیم کرد.

آقای امیر میر فخرائی

دانش آموز در مقاله ای بعنوان «۲۰ آبان روز فرخنده امیدواریم» وضع مردم دربدر را «غیر قابل تحمل» دانسته مینویسد:

«شما در هر کجای دنیا گام بگذارید با اینهمه سیاهکاری و درماندگی روبرو نخواهید شد» و سر انجام مردم را بفرا رسیدن روز فرخنده انقلاب مژده داده و به آنها بانگ میزند: برخیزید وایران را از بندهای بندگی و تیره بختی رهائی دهید»

آقای هوشنگ نیر نوری

شعری بعنوان «کشور جم» فرستاده ودراین قطعه ازقدرت دیروز وذلت امروزمایاد کرده تنها راه رهایی را جنبش بزرگ وپرداخته مید انداحساسات میهن پرستانه آقای نیر نوری باارزش است.

ورق پاره ننگین وچاپ شده ای

نیز در این هفته بما رسید این ورقه که بقطع سفره ناهار خوری پولدار ها بچاپ رسیده آسمان وریسمان هائی بهم بافته دولت را بزرگترین خدمت گزار ملت و جبهه ملی را جاده صاف کن حکومت قوام السلطنه دانسته ادامه

همکاری(؟)حزب نبرد ایران را باجبهه ملی خیانت بمملکت شمرده است ودر پیش بینی کرده است تاپیش از رسیدن نوروز امسال حزب توده بیك قیام خونینی دست خواهد زد .

این ورقه بنام آقای دکتر مسعود مردانی طبیب معالج امراض روحی و مغزی انتشار یافته ومابا اینکه این جناب دکتر را نمی شناختیم باد رنظر گرفتن حرفه ایشان یعنی «پزشك بیماری های روحی» بقول نویسندگان کلاسیك «به شگفت اندر شدیم» زیرا «کچل ارطبیب بودی سرخود دوا نمودی»

تاآنجا که آگاهی یافته ایم هماهنگی حزب نبرد ایران باجبهه ملی تنها درمبارزه ملی کردن صنعت نفت است وبعقیده ما امروز هر کس درصف رزمندگان راه ملی شدن صنعت نفت شکافی بیاندازد به شرکت یغماگر نفت خدمت کرده.

چند نامه از دانشجویان ودانش آموزان اصفهانی وشیرازی

بمارسیده که ازتظاهرات پردامنه وشگرف مردم بویژه دانش آموزان آندوشهر علیه کمپانی نفت گفتگوها کرده وهمه بزرگترین دشمن ابراز احساسات ملی را پلیس ودستگاه انتظامی شمرده اند : همچنانکه درشماره پیش نوشتیم هیئت حاکمه دراصفهان باتوپ وتانك بجنگ مشتهای گره کرده دانش آموزان ومردم اصفهان رفته ولی مطمئن هستیم که این دستگاه رسوا ازاین نبرد شکست خورده بیرون آمده، این دستگاه رسوا خودنیز متوجه سرانجام زشت وسیاه خود شده وچنان بدست وپا افتاده که چون پاره‌ای رزمندگان اصفهانی رانتوانسته‌است باتوپ و تفنگ بترساند بنیمه آنها و دور کرد نشان از شهر دست زده‌است ما بهمه جوانان اصفهانی وشیرازی ودیگر دلاوران شهرستانها آفرین گفته پیروزی آنها را درمبارزه باشرکت نفت ودست نشاندگان استعمار گران خواهانیم

آقای جلال میزبان مقاله‌شورانگیزی بعنوان آهنگ‌مرگبار که ملیت‌مارا تهدید میکند برای ما فرستاده و درطی آن ازقدرت وعظمت از کف‌رفته ایران و ایرانی افسوس خورده مینویسد کجاوقت آن‌قدرت ایرانی ؟ کجارفت آن‌برق شمشیر که زمانی درعثمانی و گاهی درهندوستان فروزنده بود؟ سپس از کودکان تیره‌روزی یاد میکند که‌در کارخانه‌های قالی‌بافی کرمان و اصفهان وکاشان‌وتبریز روزی ۱۶ ساعت کار کرده وماهیانه کمتر از ۱۶۰ ریال دریافت میکنند وسر انجام مینویسد هنگامیکه آرزوی ترقی و تعالی ایران را در دل میپرورانم پرده‌ای از یاس وحرمان دربرابر دیدگانم کشیده شده آهنگ آتشین ازدل پردرد بسر می‌آورم »

ما احساسات پاك وملت پرستانه آقای جلال میزبان‌را ارج‌نهاده امیدواریم این‌روح نومیدانه وپژمرده را رها کرده بادیگر رزمندگان میهن‌پرست وامیدوار ملت‌ما هم‌آهنگی کنند.

مشهدی غضنفر باچپق

مانده از صفحه ۱

بود با چهارشنبه که سلانه سلانه بسوی خانه امید خود میرفتم وقتی که خسته و کوفته به آنجا رسیدم هنوزهم بروبچها نیامده بودند.

مشهدی غضنفر گوشه ای کز کرده روزنامه «آپادانا» رابرای خودمیخواند . اول می ترسیدم که مبادا چیزی نوشته باشیم که مشهدی ازآن خوشش نیامده بطاق ابروی تکبر برخورده باشد و یااین ترتیب دیگر غضنفر از (کول) ما پائین نیاید ولی مشهدی زود مرا از ترس وفکر بیچاره هائی بخشید وشادمان وشنگول برخاسته ودوبدسورتم رابوسید ومراکنار خودش نشانده پس از آنکه یکچای قند پهلو وداغ برای من بعمس سفارش کرد ، گفت:

راستی عمو حسین‌علی این روزنامه شمارا من‌خیلی دوست داشتم اماهیچوقت فکرنمی کردم این حرفهای سروساده ما راتوی روزنومه بینداززی.

امابا اینهمه حرفها ازهرچه بگذری سخن دوست خوشتر است.

این روزنامه‌هااز همه چیز می نویسن جزمردم ومااگر هم چیزی ازمابنویسن آ وقتی است که خیلی قافیه بهشون تنك بشه این توده ایهاهم که دروغکی خیلی سنك توده مردم رابسینه میزدن در روزنومه های‌خودشون ازجلت‌سبیل استالین بیشتر صحبت میکردن تادرد دل مردم

دراین موقع کمکم داش ابول و کربلائی حسین وسایر بروبچه های محروم ودربدر یعنی رفقای عزیز ورنجدیده ما آمدندو همه ازمشهدی غضنفر تازه های روز را می پرسیدند.

مشهدی وقتی که (سوته دلان) را گردهم دید یکی دو مقاله ازروزنامه‌ها خوانده هنوز روزنامه خواندن او تمام نشده بود که (جعفرجاهل) باقیافه کنجکاوانه ای پرسید:

مشهدی ! یك مشکل بزرك راسه من مونده واون اینه که من نمیدونم چرا مجلس بااین دولتهای بی‌پیرولا کردار که پدر مردم را درمیارن اجازه میده که مثل که روی کرسیهای دولتی بچسبن وواسه ماهرروز یك کربه رقصانی تازه‌ای بکنن هرروز یك الم شنگه مسخره دیگه راه بیندازن؟

مشهدی امشب دلم میخواد که این مسئله را واسه رفقا حل بکنی.

مشهدی غضنفر آب دهن خودرا فورت داده باقیافه شادوبی بند و باری گفت:

ـ جعفر، راستی که توجاهل ونادونی آخراشتباه تو ازاینجاست که مجلس‌را با دولت جدامیکنی، عزیزم این دوتا به یك ساز می رقصن اما فرقی که دارن اینه که دوجور اطوار می‌ریزن.

نخ این‌دوتادست اربابه‌ارباب‌هرچه گفت این بچه های سربراه وحرف شنو اطاعت میکنن، ماامروز ازدولت جناب تیمسار مینالیم ولی هیچکس نیست ازما بپرسدکی تاحالا ازاین امامزاده معجزه دیدین که حالا انتظار دارین ؟ اصلا کار این لامروت هاهمینه ، بحال ملت تفاوتی اینکه که حاجی سپهبد روی‌کار بار باشه یاحسن آقابنا ؛ برای اینکه ازاین گنبد وبارگاه‌ها قطع امید کردن ، ماکه هرچه بضریح این امامزاده دخیل بستیم معجزه‌ای‌ندیدیم دیگرون‌هم‌ندیدن .. این دستگاه سرتاته خرابه‌اینکه میبینیم گاهی حسن‌میره حسین میاد ، تقی از کار فشار میره نقی صدر اعظم میشه برای اینه که سرمارا گرم کنن‌و گرنه اینها سرتاته‌یك کرباسن بعدا قسم اگرحضرت‌خداهم‌پیاد چند هفته یاچندسال صدراعظم مملکت‌ما بشه و بخواد بااین‌دستگاه‌فاسدکار کنه‌باز هم همون‌آش‌وهمون ..سه.. مابایدکلك

این دستگاه رازودتر ازهمه بکنیم بعد به فکر اصلاح بیفتیم ، باید این دندان کرم خورده‌را بپرقیمتی‌شده از دهـان بیرون انداخت ...

محمد تقی که تازه ازداغی چـای زبانش سوخته‌بود با لحن‌خوشمزه‌ونمکینی وسط حرف غضنفردویده گفت :

ـ مشهدی اینهاهم بقول وکـلای مجلس صحیح است ماهم میدونیم که این دولت مـردم‌آزاده‌و لعنتی مثل‌ازنهای هر جائی میمونه که‌هزارتا فاسق‌داره اماآخه چطور میشه این‌زن‌ نا‌بکارو ‌را‌سه‌طلاقه کرد ؟

مشهدی غضنفر کیسه‌وصله خورده توتون خودرا ازجاقبا درآورد. توتون چپق خودرا تازه کرده‌و آتش‌زده گفت :

ـ محمدتقی! سئوال خوبی کردی و بین فهموندی هنوزهم آدمهائی پیدا میشه که چیزسرشون‌بشه ، اما جواب‌توخیلی آسونه برای اینکه من کمون‌نمیکنم‌باید منتظرباشیم دست غیبی برسه وبیادبیسه نامحرم‌بزنه ازانگلیسهاوروسهاوآمریکائی ها هم که نبیفه انتظارداشت بیان ضمهر کاری بکنن و گمون هـم نمیکنم که هیچ آدم با شرفی حاضر بشه کـه که اجنبی بیادکار مارا اصلاح بکنه .

پس یکراه باقی می‌مونه وانهم‌اینه که خودمون بفکر خودمون باشیم هـر گلی هم که بسرمالك‌وملت زده بشه باید بدست‌خودمون باشه.

کربلائی حسین که بادقت صحبتهای فیلسوف قهوه خانه را گـوش می داد گفت :

ـ یعنی میگی بایدما بروبچه ها ازهمین‌حالا توی قهوه خونه هم قسم‌بشیم که بریم بیرون ، مردم را با خود مون همدست کنیم با فنك و کلنك وتیشه واره بجناب دولت‌حمله کنیم وسرش را ازتنش جدا کنیم ؟

مشهدی قاه قاه خندید بطوری که دندانهای زنك زده او پیدا شدو گفت

ـ نه عزیزم ! تو که ازجاهلی‌دست جعفر را ازپشت بستی !

جونم ! چیزی که مسلم است اینه که بایدپدستگاه‌واروته بشه آنهم‌بدست ما ؛ اما هرکاری راه داره و اینکارهم با این وضع هردمبیل ومضحکی که تو گفتی درست نمیشه درسته که این‌دستگاه پوشالی بایك باد ملایم روی هم میریزه ولی‌آخر باید فکر کرد که بعد ازخراب کردن دستگاه حکومت ما یك کاردیگه هم داریم وآن درست کردن یك دولتی است که بتونه مردم را خوشبخت کنه و اگر نه چه ثمر داره که ما خراب را خرابتر کنیم اما خرابش را نتونیم آباد کنیم ؛ برای اینکار بایدیك عده ای از این جوانهای‌چیزفهم که ملتشون‌رادوست دارن باید جلو بیفتن یك تشکیلات‌حسابی درست کنن ؛ روی یك نقشه‌صحیح برای یك فکردرست کاربکنن وقتی که دارو دسته آنها درست شد همه‌باهم یعنی‌مردم باهم کارها را یکسره کنن اما اینکارو این حزب طول و تفصیل هائی داره که من یکشب دیگه‌همه رامیگم بشرطی که عمو حسینعلی هم باشه تا حرفهای ما را بندازه‌تو روز نومه شون تا همه مـردم بخونن ..

آنشب را با اینکه نمیدانم چه شبی بود ولی یادم هست که تاصبح نخوابیدم ودی‌ دری توی رختخواب پهلو بپهلو می شدم وبحرفهای مشهدی غضنفر فکر می کردم مثل اینکه تاصبح کسی تنك گوش من فریاد میزد :

ـ این تشکیلات پوشالی بایدخراب بشه اما برای اینکار باید یك حزب‌تازه و بزرك درست بشه !

« عموحسینعلی »

تیمسار کبیر هم

مانده‌از صفحه ۱

آقای رزم آرا در آن روز ها آنقدر در نطق ها و کنفرانس‌های پر آب‌وتاب خود بعوام فریبی سر گرم بود که در هفته های نخست برعده کوربین‌ها افزوده شده و گروه‌بیشتری بکار دولت دلگرم شده بودو ملت ایران فریب نخورده میدانست که این آقا با این دبدبه و کبکبه ونطق‌و کنفرانس هرگز قصد آزادی ندارد که مردم ایران را از بندر هائی بخشدو گذشته ازاینکه‌دردی رادرمان نخواهد کرد

ماموریت دارد که یاری سایر سران دستگاه‌حاکمه حلقه های بندگی‌را بر گردن توده مردم تنگتر سازد.

مردم میدانستند که‌رزم آرا پیش ازروی کار آمدن‌هم سالها کارگردان دولتها بوده بنا براین آنقدر هاهم کار ناشی نیست.

رزم آرا شاید در این دوره تنها اصلاحی!! که بعمل‌آورد این بود که دستور فرمود تا اتومبیلها واتوبوسهادر تهران بوق نزنندو این‌اصلاح! هم‌بخاطر نگاه داری وجودمبارك خود دستگاهی بود که بر آن حکمفرمائی میکرد، رزم‌آرا می ترسید که اگر اتومبیل هـا بوق‌بزنند اعصاب خسته‌و کوفته و کرخ شده‌مردم از صدای بوق عصبانی‌شده وازخشم‌وهیجان آنها برج‌وباروی‌هیئت‌حاکمه‌درهم‌بریزد.

آقای‌رزم آرا در همان‌روزهای‌نخست که‌جوانان کشوررا سلسله‌جنبان مخالفین خود میدید درسالن‌دبیرستان نوربخش‌در برابر فرهنگیان فرمود:

«آنهائیکه سیاست‌را ازفرهنگ‌جدا نمیدانند بمملکت خیانت میکنند» این «فرمایش‌حکیمانه» را همه‌میدانستند که ازحلقوم‌ارباب برخاسته وازآن‌روزبهتر نشان داده‌شد که باز هم همان برنامه استعماری دولتهای‌پیشین بدست‌او اجرا شده وازاین پس او نیز به «خدمات و زحمات شبانه‌روزی‌پیشینیان ما‌یملدار» خود ادامه‌خواهد داد.

اوهم مثل صدراعظم‌های پیشین می خواست که اعصاب مردم‌راتخدیر کند تا حواس کرخ شده آنها احساس درد ورنج‌نکند آنها نیز می‌خواستند که‌جوانان پرجوش وخروش کشوررا ازسیاست‌دور نگاه‌داشته‌بیگانه‌ارند‌تاسیاست مملکت در دست‌پیران‌فرسوده‌وتار عنکبوت هـای فراموشخانه‌باقی بماند، آنهـا‌نیز می خواستندتمام‌امور کشوررادردست‌مغزهای موریانه خورده قراردهند .

آقای رزم آرابلز همان نقشه های استعماری‌رادنبال کردولی‌سرانجام کاری کرد که‌هیچیك ازپیشینیان‌اوجرات انجام آنرا نداشتند، زیرا صدراعظم‌های‌پیش‌از او اگر حقوق‌ملت ما را به‌بیگانه‌هامیسپردند ولی در برابر ملت به‌چاپلوسی‌و تملق گوائی دست میزدندولی رزم آرادریکی از نشست های مجلس شورا از منافع شرکت نفت‌دفاع کرده به‌هوش‌واستعداد ایرانی تهمت زده‌و گفت که ازمالولهنگ سازی هم‌برنمیآید‌چه رسد باینکه‌بخواهیم صنعت نفت کشور ماراآنیز خوداداره کنیم وپس‌از این تهمت بزرك به وزیردارائی خود نیز دستور فرمود تاشرکت‌نفت‌را بزرگترین خادم ملت معرفی کند.

دنیا گمان میکرد که‌دربرابراین دولت یك کشور باستانی قرار گرفته‌و گفته اودیگر «وحی‌منزل» است ولی ملت ستمدیده ایران باتظاهرات‌بزرك و دامنه‌دار خود بجهانیان نشان‌داد که‌ملت ایران حساب خودرا مدتهاست‌بادولت‌جدا کرده و«فرمایشات بلندگوهای هیئت حاکمه‌باندازه پشیزی در برابرملت‌قدرو قیمت ندارد

ملت مانشان‌داد کسانیکه لولهنگ سازی هم از آنهابرنمیاید‌موافقین گستاخ وبی شرم کمپانی نفت مـا گرفته‌هستندو گرنه ملت ایران همچنانکه در گذشته‌بزرگ‌و پیروز بوده امروز نیز از نبرد در راه آزادی وپیروزی خود از پای نخواهد نشست .

آقای رزم آرا علاقه خودرانسبت بارباب نشان داد وبدین ترتیب هفت‌ماه گذشت ، مردم دانستند که اشتباه نکرده اند وازاین پهلوان پنبه‌ای‌هاکاری‌ساخته نیست .

ما اطمینان داریم که اگر تا۷هزار سال دیگرهم خدای نا کرده جناب‌تیمسار بر کرسی‌صدارت عظمی تکیه زده باشند اگرروز گارایران‌وایرانی تیره ترنشود جزدفاع‌ازارباب کاردیگری ازجناب‌ایشان ساخته نخواهد بود.

ملت ما بااین دستگاه و معل...
کبیر وصغیر اومیخندد امروز کار ...
کشیده که‌حتی زلنطی زنجانی هم که...
دزدی وآدمکشی اعدام میشود به...
وتبهکاری دستگاه ودربدری مردم...
بی برده‌بقاضی‌عسکر که میخواست...
او قرآن بخواند میگوید : من...
لازم ندارم بروید برای‌مردم ایران...
بخوانید که هرروزسیصدچهارصد نفر...
در کوچه وخیابان جان‌می‌دهند.

آنچه نمیتوان انکار کرد اینست...
ملت ما همیشه پایدارواستوارخواهد...
ولی این‌دستگاه حاکمه بزودی‌واژگ...
خواهدشد زیرا ملت ما دستگاه‌حاک...
را محکوم به نیستی کرده است ...
مردم با هیئت حاکمه سرجنك دارد...
این نبرد پیروزی باملت خواهد بود...
تاریخ نشان داده که همیشه دشمنان...
ها را یا خشم مردم ویا انتقام خدای...
فرستاده ولی ملتها همچون کوه پابر...
پای برجا مانده اند

آقای رزم آراء نباید به ۹۱...
که از مجلس بدست آورده است ...
ببالد زیرا دربرابر این ۹۱ رای ...
ملیون ها رای ثابت وتغییر ناپذیر ...
دارد که نه بدولت ایشان و نه بدست...
حاکمه روی خوش نشان نمیدهد...
ملیونها رای نظروعقیده ملت ایران...
ما بدشمنان ملت و کوته بینان ...
میزنیم که تنهاحکومتی میتواندپایدار...
براین ملیونها رای تکیه زند وآن...
پایه های حکومتی که بر ۹۱ رای...
فرمایشی متکی باشد نقش‌برآب‌است

چکاوك

در ایران ما

مانده‌از صفحه ۱

ازآب درمی آیدواندیشه بیرون آ...
زمین وسرمایه ازدست‌مشتی چپاولگ...
جز با رزم ریشه دار ملت انجا...
نمی باشد .

دراین گیرودار رزم آرا که...
لیم بند خودرا ازچنك (استیضاح)...
بیرون کشیده می کوشد آتش خشم...
داران وایش ازپیش دامن‌زده از...
گل آلود برای انجام نقشه های...
خود ماهی بگیرد.

به اینجهت لایحه فروش (املاک...
دولتی) را که‌چندروز است‌آماده‌شد...
کشوی میزخود نگهداشته تا در ...
بهتری باسیدان آوردن آن برم...
سرمایه‌داران بیفزاید.

دراین میان کمیسیون نفت از...
خنیه‌بررسی پیشنهاد ها‌آغاز کرد...
گفتگو هابرسر دو پیشنهاد (ملی...
صنعت نفت درسراسر ایران)
(ولغو قرارداد ۱۹۳۳)میرف...
باپشتیبانی سرسختانه جبهه ملی...
دیگر ازپیشنهاد ملی‌شدن نفت‌ام...
کمیسیون در برابر این خواست مر...
فرود آورده شالوده کمپانی...
نفت جنوب را واژگون سازد...
بادوهای کمپانی بیکارنشسته بیکا...
کمیسیون راوادار کنند تاکار نفت...
دولت بسپارد چنانکه دراین زمینه...
امامی پیشنهادی درهفت ماده ...
نفت داده ودربگیرفتن آن باشا...
کند ازسوی دیگر تلاش رزم‌آرا...
نگاهداشتن کرسی‌نخست وزیری...
دنبال میشود وستیزه او باخواست...
هرروز بیشتر می کرد.

چنانکه پس ازچند روز زمز...
انجام بست‌وزارت فرهنگ‌رابه‌کرا...
او کر مالداو بیگانه و دشمن...
آزادی سپرد تا برای انجام نقشه...
دیکتاتور مآبانه خود همکاری ...
داشته باشدو همچنین برای فراهم...
کمبود دارائی دولتی سر از ...
گدائی بسوی بیگانگان دراز کرد...
گوشه‌و کنار شنیده‌میشود که‌صدها...
ملیون لیره ای که‌قرار است کمپانی...
برای گرداندن چرخ امید خود...
گفتگوی گرفتن وام ازآمریکا...
آغازشده وگویا واشنگتن رای ...
ایران در سازمان ملل متحد را ...
دادن وام خریده است بااین همه...
کابینه تیمسار چندان روشن نیست...
اکنون با زار کابینه سازان برای...
کردن نخست وزیر آینده گرم ...

واگذاری زمین‌های

مانده از صفحه ۱

میکنند ، بهانه خوبی بدست می‌آید ـ دو ، مجلس که غالب سرزانش‌ادیکتاتورها شده و دربرابر اراده مردم جهت ملی کردن نفت مقاومت نشان نمیدهد . از سرراه برداشته میشود »

موضوع واگذاری زمینهای کشاورزی بکشاورزان موثر ترین اتوی کنونی انگلستان است که میتواند جناح بازی گوش هیئت حاکه راسرجای خودنشانده و تنبیه کند ، و از تمرکز و تندی آتش مردم ایران برای ملی کردن نفت بزبکاهد

. . .

در کشوری که بیشتر مردم زندگی خود را از راه کشاورزی میگذرانند و مهمترین پیکره در آمد و فرستاده های حقیقی کشور از این راه بدست میآید ارزش یك کشاورز بیش از یك گاو نیست کشاورزی که در برابر یك سال شکنجه وسختی . هزاران بیم وامید ،ناتوانی و ناخوشی با دست وپنجه وبیل یا گاوآهن چوبی زمین را خراش میدهد در پایان سال باید محصول ناچیز خود را تقدیم مالك کند .

مالك معمولا برای هر بخشی از کارها یا ادوات کشاورزی سهمی میشناسد . مثلا سهم آب ، سهم زمین ، سهم زارع ، سهم گاو وسهم بذر کشاورز بیچاره پس از یکسال رنج ومرارت خود وخانواده‌اش بایدباندازه گاوا از محصول سهم ببرد . ولی ارباب که شاید در تمام سال یك مرتبه هم قدم رنجه نفرموده و بده نیامده است ،سهم آب وزمین و گاوو بذر را میخورد . مرگ وزندگی این کشاورز تیره روز و خانواده‌اش برای ارباب البته باندازه مردن گاو اهمیت ندارد؛ و ترجیح را که ممکن است از گاو بکند . از کشاورز وخانواده‌اش نمی نماید .

آشکاراست . کشاورزی که بیش از یك گاو ارزش ندارد در باره عشق وزندگی وسیاست ومسائل اجتماعی بیش از همان گاو نباید اظهار وجود کند ، سر نیزه ژاندارم وزندان شهربانی وتوپ وتانك ارتش که از دسترنج همین کشاورزان تهیه شده نیز تنها برای سوراخ کردن شکم ورودہ وشکنجه دادن باین کشاورزان تیره روز بکار می‌افتد . بگفته روزولت رئیس جمهور پیشین امریکا ایران کشوری است که نود ونه درصد مردمش اسیر وبنده یك درصد دیگر هستند . اگر این موضوع درباره همه جمعیت ایران راست نباشد در باره ده میلیون نفر کشاورزان ما صادق است واضح است که چنین تشکیلات آقائی وبردگی بهیچ صورت دردنیای امروز قابل دوام نخواهد بود و این مسئله باندازه‌ای روشن است که باصطلاح معروف حتی «خان» هم فهمیده است

چیزیکه مسلم است ، چه « خان بخواهد بفهمد وچه نخواهد ، کشاورز که مالك حقیقی وطبیعی زمین است حق خود را خواهد گرفت

این دو میلیون تن گندمیکه سالیانه از زمینهای ما بدست می‌آید وغذای اصلی ما وشاید تنها غذای کشاورزان را تشکیل میدهد از بذل توجهات عالیه خان خوش گذران ونیمچه خانهای شهرنشین وده بچاپ بدست نمیآید؛ بلکه حاصل شکنجه و مرارتهای ده میلیون نفر کشاورزان ماست خوشی وبدبختی ، فقر و ثروت زندگی و مرگ این مالکین در کمی وزیادی محصول کوچکترین اثانه نخواهد گذاشت تنها کار و کوشش کشاورز است که بصورت گندم وجو وپنبه و کشمش وصدها محصولات دیگر خودنمائی میکند .

این کشاورز روز بروز بحقوق خود آشناتر می شود ومیفهمد که این خدای مسلمانان نیست که او وخانواده او را تیره روز و بدبخت گردانده چه بت هندی ، بعدائی که برای بند کاش این چنین سوقات پریشانی وفلاکت آورد ترجیح دارد .

همین کشاورز کم کم میفهمد که این اراده گریز ناپذیر تقدیر وسرنوشت نیست که گریبان اورا چنین سخت چسبیده است بلکه این اراده : اراده مالك است که در پشت سرخود سر نیزه ژاندارم و زندان شهربانی وتوپ وتانك ارتش و در پایان پشتیبانی یك سیاست خون آشام استعماری رادارد یا پای آشنائی کشاورز بحقوق طبیعی خود و اوضاع جهان ، فرصه چرك آلود کینه توزی وانتقام نیز در دلش بزرك و بزرگتر میشود تا روزی که این فرصه سرباز کند آن روز است که بجای بیل و سطل و گاو آهن کار دوسرنیزه وتفنك در دستش دیده میشود . ارباب متنفوار را شکم میدرد و خانواده ناز پرورده ارباب را بروزسیاه مینشاند وکاخ زیبای او را غرق در آتش میسازد .

آری همین کشاورز همین کشاورزی که دسترنج سالیانه اش ربوده میشود و ارزش کارش برابر با یك گاو حساب می گردد چنین انتقام خواهد کشید اکنون ارباب اگر یك جوشعور داشته باشد و ناز ونعمت و کیف ولذت چشمان او را کور نکرده باشد ، خودش بایدبلرزد ود است باصطلاح مردم «فلنك» رابه بندد . اما واگذاری زمینهای کشاورزی باقساط بکشاورزان ((فلنك)) بستن نیست .

بلکه فروش زمین بکشاورزاست . ما درشماره آینده درباره چگونگی وراه فلنك بستن گفتگوخواهیم کرد ولی بطور خلاصه اگر بنااست مالکین مازمینهای خودرا به کشاورزان واگذار کنند ، دیگر چرا پولش را میخواهند ، اینکه واگذاری نمیشود بلکه فروش است ، چه ، مثلا ؛ شرکت زینگرهم چرخهای خیاطی را باقساط بخریداران واگذارمیکند وهیچ بی اعتنائی پیدانمیشود که از اقدامات مشعشعانه این شرکت حتی یك سطر تعریف کند واوسلما

مانده در صفحه ٤

در جهان ملتها

مانده از صفحه ۱

ازراه کمك بدولت گریزپای «چیانکایچك» درخاك چین دست بخرابکاری زند تا از فشاری دولت پکن درسرزمین کره بکاهد اما گمان نمیرود حنای «چیانکایچك» در نزد ملت چین رنگی داشته باشد .

ازسوی دیگر پس از آنکه سازمان ملل متحد در اثر فشاری امریکا بمتجاوز شناختن دولت پکن رای داد بر تیرگی افق سیاسی جهان بیش از پیش افزوده شد و کسانیکه مانند «سربنگال رائو» نماینده هندوستان برای خاموش کردن آتش جنك کره می کوشیدند امید سازش را از دست داده کنار رفتند وامروز چشم سیاستمداران بانتظام نماینده ایران خیره گشته تا ثمره کوشش او را برای سازمان دادن یك « کمیسیون سازش» ببینند اما تامیرده تاکنون از تلاش خود سودی نبرده چرآقای «گراف ستروم » نماینده سوئد کسی پیشنهادهمکاری باواراپذیرفته و اگر همکاردیگری نیز پیدا کند تازه بسودمند افتادن کوششهای او نمیتوان امیدوار بود زیرا انتظام خود نقش میانجی گری را رها کرده بمتجاوز شناختن چین سرخ رای داده است

در این هنگامه کشمکش نمایندگان در گروه باختر وخاور دور «لیك ساکسس» همچنان دنباله دارد و نماینده روسیه میکوشد شکایت خود را که ماه پیش در باره تجاوز امریکا چنین کرده است در کمیسیون سیاسی سازمان ملل متحد بکرسی نشاند

دراین گیرودار ویشینسکی وزیر امور خارجه روسیه پاسخ دولت خویش را برای نمایندگان دولتهای فرانسه و امریکا وانگلیس فرستاده آمادگی خود را برای تشکیل کنفرانس وزیران خارجه چهار دولت بزرك اعلام داشته است این خبر با آنکه در فرانسه با خشنودی و امید روبروشد درواشنگتن ولندن با دو دلی وسردی تلقی گردید و با آنکه از چگونگی یادداشت مسکو خبری نیست گمان میرود بیشتر پیشنهاد ها درباره یگانگی آلمان و پایان دادن بکشمکش های خاوردور باشد باآنهمه امید نمیرود این کنفرانس ازسختی جنك سرد بکاهدیا آتش جنك کره را خاموش کند وتادولت های بزرك در اندیشه چپاول و استعمار ملتهای زنجیر شده جهان می باشند این لذت و برخاسها بجائی نمیرسد زیرا هم آغوشی غول کمونیسم ودیو دروزوازی اگرهم روزی انجام پذیرد جز جنگ و بدبختی برای جهان ملتها فرزندی نمیزاید

تهیه ماشین آلات کارخانه کاغذ سازی برای چیانگ گونك

یکقسمت از ماشین آلات کارخانه کاغذ سازی در بنگال شرقی اکنون برای حمل به چیتاگونك دربین راه است

مجموع بهاء این ماشین آلات بطوریکه تخمین زده شده تقریبا ۵ر۲ ملیون روپیه درحدود ۲۵ ملیون ریال بالغ میگردد

کارخانه کاغذسازی مزبور یکی از بزرگترین کارخانجات از انوع خودخواهد بودومحصول روزانه آن متجاوز از یکصد تن کاغذ است

تازه ترین خبرهای جهان

درباره تغییرروش حزب کمونیست انگلستان

بلگراد رویتر - روزنامه بوربا ارگان حزب کمونیست یوگوسلاوی امروز مقاله‌ای منتشر وسیاست خارجی شوروی رامسئول تغییرروش غیرمنتظر حزب کمونیست انگلستان معرفی کرده است بطوریکه روزنامه نامبرده اظهار داشته کمونیستهای انگلستان تاکنون مانع سیاست توسعه طلبی شوروی بودمواز احزاب کمونیست آنهائی را که درصدد حفظ استقلال خوددرمقابل مسکو بوده‌اند خائن میدانستند ولی اکنون همان کمونیستهای انگلستان مایل نیستند یك سیاست مستقل مخصوص انگلستان تعقیب بکنند زیرا تابع اطاعت صرفا از مسکو وتعقیب سیاستی که منافع ملی دارا تابع سیاست شوروی بکنند اکنون درفرانسه وایتالیا کاملا ظاهر شده بدین معنی که دراین دو کشور دموکراتیك ترین و سر سخت ترین اعضای حزب کمونیست نارضایتی خودرا از مسالمت شوروی علنا ابرازداشته واز حزب کمونیست مستعفی شده‌اند

نماینده سوئد در کمیته سه نفری آقای انتظام شرکت میکند

لیك ساکسس — آقای نصراله انتظام رئیس مجمع عمومی ملل متحد آقای سوون گراف استروم نماینده سوئد را بعضویت کمیته سه نفری مجمع عمومی ملل متحد مامور رسیدگی بمسئله کره انتخاب کرده است .

دبیرخانه کل سازمان ملل متحد امروز صبح اعلام داشت که آقای گراف استروم دعوت آقای انتظام راپذیرفته وحاضر شده است در این کمیته جدید که بنابپیشنهاد امریکا وتصویب مجلع عمومی قرار است تشکیل شود شرکت کند . آقای انتظام ریاست این کمیته رابعهده خواهند داشت .

بموجب قطعنامه هیئت نمایندگی امریکا که روزپنجشنبه گذشته ازطرف نمایندگان مجمع عمومی ملل متحد تصویب شد چین کمونیست مجرم ومتجاوز شناخته شده است .

کمیته سه نفری مزبور بموجب همین قطعنامه ماموریت دارد فورا مقدمات صدور فرمان آتش بس را در کره فراهم آورد و موافقت زمامداران کمونیست چین رانسبت باین امر جلب کند .

بموجب قطعنامه مصوب مجمع عمومی کمیته مخصوص دیگری نیز بایدتشکیل بشود تادر باره رفع تجاوزات پکن تصمیمات لازم اتخاذ نماید .

بطور غیر رسمی اطلاع میدهند که آقای انتظام از آقای لستر پیرسون نماینده کانادا نیز دعوت نموده است در این کمیته شرکت نماید ولی این خبر هنوز تائید نشده است ،همچنین بطور غیررسمی اطلاع میدهند که سربنگال راو نماینده هندوستان نیز دعوت شده است در این کمیته شرکت نماید ولی مشارالیه این دعوت رد کرده است .

متن پاسخ شوروی به یادداشت دول غربی

پاریس - رویتر - درپاسخ اخیرشوروی بیادداشت های جوابیه سه دولت غربی راجع بتشکیل کنفرانس چهارجانبه دولت شوروی خاطرنشان کرده که شورای وزیران امورخارجه چهاردولت هرچه زودتربابد تشکیل شود ومقدمات تشکیل کنفرانس چهارجانبه را فراهم سازد

دراین پاسخ شوروی باطرح سایر مسائل غیراز مسئله خلع سلاح آلمان در کنفرانس چهارجانبه موافقت کرده است .

متن پاسخ اخیرشوروی که ازطرف وزارت امورخارجه فرانسه منتشرشده بدین شرح است .

چون دولت فرانسه مانند دولتین انگلستان وامریکا بهبود روابط بین چهاردولت فرانسه ـ انگلستان ـ امریکا وشوروی و رفع علل بحران کنونی ابرازتمایل کرده دولت شوروی معتقد است که پیش ازاین نباید تاخیردرتشکیل شورای وزیران امورخارجه را جایزشمرد .

وضعی که موجب بتعویق افتادن تشکیل شورای وزیران امورخارجه شده نه‌تنها عدم خلع سلاح آلمان میباشد بلکه بعلت آنست که برای مجهز ساختن آلمان اقداماتی صورت گرفته که باترکیب باسایرعوامل نشان میدهد که مقدمات بروزیك جنك فراهم گردیده است .

دولت شوروی نمی تواند ازجلب توجه دول باین وضع غیرقابل تحمل خودداری کند .

دولت شوروی بحث ازسایرمسائل راضمن بررسی خلع سلاح آلمان در شورای وزیران امور خارجه ممکن میداند والبته شورای وزیران امور خارجه بایدبر طبق آنچه که درپتسدام مورد موافقت شوروی ، آمریکا ، انگلستان و فرانسه قرار گرفته تشکیل شود .

ضمن اشاره به پیشنهاداولیه شوروی راجع باینکه مسئله آلمان بر پایه اعلامیه پراك باید مورد بحث قرار گیرددراین یادداشت خاطرنشان شده که دولت شوروی معتقد است که برطبق اصل حقوقی هر یك از اعضاء شورای وزیران امورخارجه می‌تواند درحدود دستور کار پیشنهاد هائی بدهد .

دولت شوروی باملاقات مقدماتی معاونین وزیران امور خارجه در پاریس و تهیه مقدمات کنفرانس چهار جانبه مخالفتی ندارد ولی بررسی در ماهیت مسائل دستور کار کنفرانس خارجه نباید درکنفرانس مقدماتی صورت گیرد

آزمایشهای انفجاراتمی در امریکا همچنان ادامه دارد

لاس وگاس (نوادا رویتر) پنجمین آزمایش انفجار اتمی دوعرض یازده روز اخیردرلاس وگاس از ایالت نوادای امریکا صورت گرفت و اینمدفعه انفجار بمراتب از دفعات قبل شدیدتر بود و متعاقب آن ابر سفیدی در آسمان پدیدارشد .

یك خبر واصله حاکیست که دانشمندان امریکائی دراین آزمایش طرز انفجاربمب هیدروژنی را موردبررسی قرار داده‌اند .

توقیف ۱۷ نفر کمونیست در پاریس

پاریس - رویتر - هفده‌نفراز کسانیکه بنفع تظاهرات ماه گذشته ژانویه کمونیستهای فرانسه علیه ژنرال ایزنهاور دراوراق بخش میکردند توسط پلیس پاریس دستگیر و ازطرف دادگاه بهشت روز حبس محکوم شدند

آقای جواد ابریشمی

ازدواج شما را با دوشیزه معصومه عسگری تبریك گفته کامیابی شمارا در زندگی خواهانم

جلال میزبان

آپادانــــا

بلوچستان دروغ پاکستان

مانده از صفحه ۱

اما بر گهای تاریخ گذشته بلوچستان تاهنگام روی کار آمدن نادر شاه غبار تاریکی نشسته و جز خبر دلاوریهای مردم این مرز و بوم در لشکر کشی اسکندر بایران که «آریان» تاریخ نویس یونانی از آن یاد میکند و نیز ایستادگی آنها درزمان دست اندازی تازیان بیرون ما که «مسعودی» تاریخ نویس ایرانی از آن سخن میگوید نشانه ای در دست نیست اما از نوشته های پراکنده که بما رسیده چنین بر می آید که با دست یافتن محمود غلجائی باصفهان ودرهم ریختن شالوده حکومت صفویان سرداری بنام «عبدالله خان» از خاندان کامبار واز دودمان «براهوی» بر دیگر دودمانهای بلوچ چیره گشته فرمانروائی کلات را خودسرانه در دست میگیرد امابا درخشش خورشید نادری وخاموشی آتش هرج ومرج در ایران عبدالله خان نیز بشاهنشاهی نادر گردن می نهد تاآنکه درجنگ باانواب سند ازپای در می آید و فرزند بزرگ او «محمد خان» جای پدر رامیگیرد ولی مردم بلوچستان از زشتخوئیهای محمد خان بتنگ آمده «نصیرخان» فرزند دوم عبدالله خان راکه زمانی دراز در رکاب نادر بود برانگیختند تابرادر را کشته خود جانشین پدر گردد نادرشاه نیز در سال «۱۱۵۲ هجری» دراثر کاردانی نصیرخان فرمان بیگلربیگی بلوچستان را برای او فرستاد ولی با کشته شدن نادر «۱۱٦۰» بار دیگر آتش هرج ومرج درسراسر ایران زبانه کشید «نصیر خان» ازمیان دو سردار بزرگ یعنی «کریمخان زند» و «احمد خان ابدالی» که یکی در شیراز ودیگری در کابل کوس پادشاهی میزد باج گذاری «احمد خان ابدالی» را پذیرفت تا آنکه در سال ۱۲۰۹ ازجهان در گذشت وفرزند او محمود خان روی کار آمد وسرانجام درسال «۱۲۳٦» دیده از جهان بربست وجای خودرا بفرزندبزرگ خویش «مهراب خان» داد

دراین گیر و دار دربار قاجار باگرفتاریهائی که درقفقاز ودیگرگوشه‌های ایران داشت کار بلوچستان رابه سرداران بلوچ واگذاشته بودوتنها «مهراب خان» که مردی ایران دوست

ودلاور بود باجگذاری دربار تهران راپذیرفت.

درسال ۱۲۵۴ انگلیسها درصدد لشکر کشی بافغانستان افتادند واین کار بر «مهراب خان» گران آمد ودر گردنه «بولان» راه را بر ایشان گرفت وچون با اندك یاران خودکاری ازپیش نبرد بکلات بازگشت اما انگلیسها که کینه اورا بدل داشتند ویرا دنبال کرده پس از کشتن این سردار بزرگ وچهارصد تن ازیاران او کلات را بچنگ آوردند

چگونگی جدائی بلوچستان از ایران

چنانکه گذشت باکشته شدن مهراب خان سردار دلیر بلوچ سربازان انگلیسی بکلات دست یافتند.

اما مردم سلحشور کلات و کوه نشینان دلاور بلوچ بدینسادگی بفرمانبری انگلیسها گردن ننهادند ودر سال ۱۲۵٦ بر حکومت بیگانه شوریده پس از کشتن نماینده انگلیس «نصیرخان دوم» فرزند کوچك «مهراب خان» را بجای پدر نشاندند اما روباه آزمند استعمار بیك زخم ازپادر نیامد و اندیشه دست یافتن بسر زمین بلوچستان بویژه «بندر کراچی» را همچنان در سر میپروراند تاآنکه در سال ۱۲۵۸ ازدرزور درآمد وبرای درهم شکستن ایستادگی خان کلات سربازان خویشرا به بندر کراچی فرستاد اما نصیرخان ازپای ننشسته بگردآوردن مردان جنگی دست زد.

در همین اوان حسینعلی شاه محلاتی (آقاخان اول) که در پی یاغیگریهای خود در کرمان از سپاهیان دولتی شکست خورده ازراه قندهار بهندوستان میرفت بسربازان انگلیسی برخورده جامه بندگی ایشان پوشید وبرای فریفتن نصیر خان بدیدار اورفت که خوشبختانه دم افسونگری در اراده آهنین سردار بلوچ بی اثر ماند وباردوی انگلیس بازگشت

اماچنانکه خود در کتاب «عبرت افزا» نوشته چون میدانست که خان کلات در اندیشه شبیخون زدن بسپاهیان دشمن و کشتن ژنرال انگلیسی می باشد انگلیسها را آن آگاه کرد ایشان نیز بیدرنگ آرتش خودرا جا بجا کرده از جنگ مردان سلحشور بلوچ جستند اما سپاهیان انگلیسی سرانجام با جنگهای پی در پی ووحشیگریهای فراوان خان کلات را ناتوان ساخته در سال (۱۲٦۰) میانجیگری آقاخان اورا که ازدربار تهران چشم امید بر گرفته بود فریب داده دربرابر پول گزافی پیمان زیررا در ٤ ماده بااو بستند.

«اول: خان کلات قسم میخورد که اوامر نماینده نظامی انگلیسی را که در کلات مقیم خواهد شد اطاعت کند.

دوم: دولت انگلیس درتمام شهرهای بلوچستان حق نگاهداشتن پادگان نظامی داشته باشد.

سوم: خان کلات مانند یك مستخدم انگلیسی سالیانه ۵۰۰۰ هزار لیره بعنوان حقوق دریافت دارد.

چهارم، دولت انگلیس تنها خان کلات را بشناسد و با سردار ماورزمای خیلها کاری داشته باشد.»

اما نصیرخان که مردی میهن پرست بود همیشه کینه انگلیسها رابدل داشت وازکار شکنی درباره دستور های ایشان خودداری نمیکرد وسر انجام درسال «۱۲۷٤» اورا واداشتند که جای خودرا ببرادرش میرخداداد خان که شیوه بندگی رابهتر میدانست بسپارد.

دربار قاجار هنگامیکه نصیرخان دربرابر فشار انگلیسها ازپا درآمده پیمان ننگین (۱۲٦۰) را بگردن گرفته بود تازه ازخواب خرگوشی بیدار شده سپاهیان خودرا بنام گوشمال دادن سرداران بلوچ بدانسو فرستاد اما چون فرستادگان تهران ازبهبود وفرماشیر گذشتند بکارشکنی انگلیسها برخورده از پیشرفت باز ایستادند ولی دربار تهران زیربار جدائی بلوچستان باختری ازیرات وکشمکش دنباله داشت و گفتگو همچنان که درسال ۱۲۸۰ میان «گلداسمید» نماینده انگلیس و «ابراهیم خان» نماینده ایران رخ داد بجائی نرسید تاآنکه درسال ۱۲۹۰ انگلیسها برای ترساندن شاه ایران ازیکسو به «پنج گور» سپاه آورده ازسوی دیگر «آزاد خان» یکی ازسرداران بلوچ راواداشتند تاو «مشکیل» را غارت کند وبدینگونه ناصرالدین شاه رابسازمان دادن کمیسیون مرزی واداشتند؛ درسال (۱۲۹۳) زین‌العابدین خان اسعدالدوله وعلی اشرف خان احتشام الوزراء بنمایندگی ایران بافرستادگان انگلیس گفتگورا آغاز کردند وپس از کشمکشهای بسیار نمایندگان ایران را فریب داده وباجدائی افکندن میان آنها تا آنجاکه میشد پاره ای زمینهای جداشده ازایران افزوده چنانکه «ژنرال پرسی ماکس» که ازنمایندگان انگلیس دراین کمیسیون مرزی بود در کتاب خود بنام «مسافرت ایران شرقی» مینویسد.

«احتشام الوزراء رابچادر خود برده باو قرار محرمانه بستیم ودر جلسه رسمی که باحضور اسعدالدوله تشکیل شد فقط ازاختلاف علامات سرحدی صحبت کردیم وازموضوع این قرارداد محرمانه حرفی نزدیم اسعدالدوله اظهارخوشوقتی کرد منهم بصورت خود قیافه عبوس دادم»

درهرحال قرارداد بسته شد ودولت تهران که غرق درگرداب نادانی وپستی بود جداشدن بلوچستان خاوری را ازایران پذیرفت اما انگلیسها درسال (۱۲۹٤) میر خداداد خان را نیز ازمیان برداشته خزانه خان کلات راغارت کردند وسرنوشت بلوچستان راخود بدست گرفتند.

بدینگونه دیده میشود امپریالیسم جهانخوار انگلستان بنیروی زور وزر ودر سایه نادانی وناتوانی دولت تهران بخش بزرگی ازمیهن مارا در زنجیر استعمار خود کشید وسالها است که بلوچستان چون فرزندی دور افتاده از مادر یکه وتنها دراستعمار بیگانه بسر میبرد واکنون هم که جنبش ملتهای زنجیر شده جهان شالوده امپریالیسم انگلستان رالرزان کرده بجای آنکه بلوچستان خاوری بایران باز داده شود بچنگال دولت دست نشانده پاکستان افتاد ودولت تهران نیز دربرابر این ستمگری بیگانگان مهر خاموشی برلب زده

درهرحال چنانکه گذشت ملت ما هرگز پیوستگیهای ملی خودرا بابلوچستان ازیادنبرده سرانجام در کنار رود سند دست برادران هندی خودرا فشرده بلوچستان عزیز را ازچنگال انگلیس پرستان بیرون میکشد

آتش

وکیل وطنی!

انقلابی و عنایی و ایــردی وطنی
جنبش شور وشری کشتنی وسوختنی
نتوان جور فرومایــه تحمل کردن
چه رسیده است فراموش دشمن شکنی
روسپی های حکومت به نوای ارباب
همه رقصند به طنازی وچابك بــدنی
هر کی یك عمر سر گردنه هامی بسته است
هست امروز در این شهر و کیل وطنی
پرورش یافته دوره استبــداد است
بلکه هم مدعی ســروری و تهمتنی
هیئت حاکمه ما بفنا محکوم است
آخراین حکم چه روزی بودا جراشدنی
هر که برداشت قدم رغم هوای دل ما
«کشتنی سوختنی باشد و گردن زدنی»
ز آنکه نیروی اهورائی ملت زنده است
محو خواهد شدن این بتکده اهرمنی
مجلسی مرد مبارز به اجل میخندد
هست بالای همه منصب گلگون کفنی

محمد مجلسی

نفت

«آنجائیکه پرتوهای ورجاوند ازدرون آتشکاهها برمیخواست و کانون یزدان پرستی زرتشت را فروزان میداشت؛ اکنون چاههائیست که شیشه زندگی دیو استعمار گر بزرگ که برسراسر جهان زنجیر اسارت گسترده اند در آن پنهانست»

دیوخون آشام استعمار، گورکن امپراطوریهای کهن که آفتاب در پهنه امپراطوریش غروب نمیکند، قلبش در ایران و شریانش قطار کشتیهائی است که نفت رابهمه نقاط امپراطوریش میرساند.

نیروی دریائی بزرگی که اقیانوس هندودریای مدیترانه را زیر فرمان دارد و بر بیشتر گذرگاهها وتنگه‌های مهم جهان تسلط یافته جز همین نفت نیروی محرك دیگری ندارد. رفت وآمدتنه ناپذیر کشتیهائی که هفتادونه در صد غذای مردم انگلستان رامی رسانند، در گروهمین نفت است.

آن خرس دو آسائی که بارتصهای دهشتناك وحرکات ناموزونش دنیائی را به لرزه در آورده نیز مستی خودرا مدیون شراب نابی است که از چاههای نفت قفقاز ماشی میکند آن ارتشی که میگویند در چند هفته سراسر اروپای غربی رازیر فرمان میاورد؛ بدون این نفت حتی یك دهکده راهم اشغال نخواهد کرد.

افسانه های باستانی ما راه نابود کردن دیوان خون آشام را که باقدرت خارق العاده خود زندگی را براسان حرام می کردند، نشان میدهند. انسانهائی که برای نابود کردن دیوان در تلاش بودند، شیشه زندگی دیوان را درقعر چاهها یافته وباشکستن شیشه؛ دیوان دودشده بهوا میرفتند

اکنون ماهای شیشه زندگی دیوان رامیدانیم، شیشه درچاههای نفت ما است؛ چاههائی که در روز کار باستان یا گازهای سوزان خود، کانون یزدان پرستی زرتشت رافروزان میداشت. تنها انسانهائی می خواهیم که برای خیزند وشیشه زندگی دیوان راشکسته، آنها را دود کرده، بهوا فرستند.

«پارساگاد»

بررسی روزنامه ها

مانده از صفحه ۱

محرومیت ایشان ازحمایت وپشتیبانی این ملت وسرانجام این کار عاقبتی نظیر عاقبت بدروشاید هم مخوف تر وبدتر خواهد بود»

فراموش نباید کرد که هرفرد یا دستگاهی که ازتوده ملت جدا شد از این جدائی جز پشیمانی سودی نخواهد برد و این دستگاه تا امروز آنقدر ازمردم دوری گزیده و در برابر اوصف آرائی کرده که دیگر نبرد ملت باهیئت حاکمه بمرحله آشتی ناپذیری رسیده است

روزنامه باختر امروز مخالفت های سرمایه داران را در تعدیل سرمایه های بزرگ تر بن انگیزه انقلاب دانسته مینویسد: اگر حکومت جابرانه مالکین وثروتمندان ما بیش از این ادامه پیدا کند

«ایران در یك انقلاب خونین غوطه ورخواهد شد و مسئولیت انقراض تاریخ مملکت وننگ وبدنامی ابدی بعهده آنهائی است که خارراه اصلاحات عمیق وتحولات ثمربخش بوده اند؛ ما اطمینان داریم که ملت ایران برای واژگون کردن دستگاه بابك انقلاب ریشه دار روبرو خواهد شد وهیچگونه دریچه اطمینانی نخواهد توانست از ترکیدن این دیك نزدیك بــ انفجار پیشگیری کند.

روزنامه «داریا» بزرك مالکین و فعالیت آنانرا در مخالفت بافرمان شاه معرفی کرده زیر عنوان «تقسیم اراضی یامرك مناجات» مینویسد: «آنها حاضرند پای شاه را ببوسند تاباچکمه به مغز وستون فقرات مردم گرسنه بزنند» سپس سرمایه داران را که دست بدامن آخوندها وشیخ های ریائی زده اند مسخره کرده میگوید (همان مجتهدین جامع الشرایطی که جلوی جنازه رضاشاه قرآن میخواندند همان آقایان اعلام را که عبارتند از سیدابراهیم قرآن خوان ورفقای او پیش انداخته و میخواهند از آنها فتوی بگیرند که تقسیم اراضی وفروش موقوفه مخالف شرع است وعمل شاه حرام بوده) وسپس دین اسلام رادینی معرفی میکند که میگوید الزرع للزارع ولوکان غاصباو بااین فلسفه حق مالکیت را برای زارعین در بــدر مسلم میشمارد.

اما روزنامه «ایران ما» ازانقلاب کبیر فرانسه یاد کرده وبزرگترین نتیجه این انقلاب را تقسیم املاك میداند ولی می گوید باید مواظب بود که شرکت نفت از این اقدام شاه استفاده نبرد.

روزنامه (دهاتی) انعکاس اقدام شاه رادر بیرون مرزها یادآور شده مینویسد: (فرمان اعلیحضرت شاه در واگذاری املاك سلطنتی بطبقه کشاورزان چنان انعکاسی در دنیای آزاد بخشید که حتی محافظه کارترین جراید انگلیس وآمریکا نتوانستند این خبر بزرك را بصورت یك خبر تحسین آمیز در جرائد خویش انتشار ندهند) ولی مابرعکس وقتیکه میشنویم محافل انگلیسی وآمریکائی یعنی بزرگترین پرورندگان مالکین وبورژواهای بزرك ازاقدامات شاه تعریف وتمجید میکنند به سرتاپای این فرمان مشکوك میشویم.

چیزی که مسلم است اینکه این بساط خانخانی وفئودال بازی وسرمایه داری را باید از میان برچیده زمین وسرمایه را بسرپرستی یك دولت آزمانخواه ملی بسپاریم خانواده هاسپرد ولی ماهنوز هیچ دولتی راسراغ نداریم وهیچ نقشه ای نیز جز در سینه رزمندگان ملت پرست وجود خارجی ندارد از سلطنت وشاه که بگذریم روزنامه هادر باره کابینه تیمسار کبیر بازهم بخود زحمت داده واز این بیمارمحتضری که دل از زندگی بریده سخن صحبت کرده اند

روزنامه (باختر امروز) زیر عنوان «حکومت رزم آرا چون جغد شوم بر بالای خــرابه ایران نغمه انقراض و فنای مملکت را میخواند» مینویسد:

«رزم آرا آنچنان کسی است که حاضر است تمام ایران در خاك و خون آغشته شود بشرط اینکه چند روز دوره زمامداری او طولانی تر گردد و برای تسکین این شهوت از هرکار وهراقدام مضر باشد روگردان نیست.»

بایدانست که این جغدها سرانجام در زیر خاك مدفون خواهند شد ولی ایران ما با مبارزه ریشه دار ایرانیان آباد و آزاد خواهد شد.

روزنامه «اصناف» زیر عنوان «چکیده افکار بیگانه را تقویت کردن در آتش سوختن وساختن است» ازداستان آتش زدن تخت جمشید بدست اسکندر یاد کرده، و درسوختن مجلس بآتش نفت بزم آرا دل تسالی رابخشیده است و چنین مینویسد:

«مگر رزم آرا کمتر از معشوقه اسکندر است؛ مگراین مرد عصب سوخته جز اینکه شعله ای از نفت بسازد و آنرا بزیرخیمه وخرگاه ملت ایران بگیرد ومجلس ومردم را طعمه حــریق خیانت کند و کشوری را بروزسیاه بنشاند دستور دیگری دارد!»

امادرانجام می گوید: «تمام کسانی که برمقدرات این مردم حکومت می کنند کاری جز انجام دستور وحفظ منافع بیگانه ندارند» واینهم سخنی است که هیچ منکری ندارد.

شیرین کاری اخیر رزم آرا یعنی روی کار آوردن دکتر زنگنه قصاب آزادی مطبوعات روزنامه ها را مانند مــردم و دانشجویان خشمگین ساخت گویا کار رزم آرا بجائی کشیده است که حتی رسوا ترین افراد هیئت حاکمه ازهمکاری بااو سرباز زده وازتنگی ناقبه دست بدامن مرد پلیدی شده است که در همه جا به دشمنی با آزادی مطبوعات و خصومت با دانش آموز ودانشجو افتخار می کند.

روز نامه باختر امروز دراین باره می نویسد:

«امروز یکی دیگر از قصـابان آزادی یعنی دکتر زنگنه را بمقام شاگردی دکتر اقبال بعد از وقایع پانزدهم بهمن کمر بسته بود رزم آرا بهمکاری خود به مجلس معرفی کرد و بدین ترتیب ستیزه جوئی با افکار عمومی را بآخر رسانید»

البته کار دهن کجی باافکار عمومی از سوی تیمسار کبیر تازگی نداشت ولی این کار ننگین هم ننگهای گذشته او افزوده شد.

در این هنگامــه ها روزنامه های روسی که در تهران بزبان فارسی چاپ میشوند دِ باره همه چیز خموشی گزیده دردهای مردم رانادیده انگاشته روز وشب ازخلق کبیر وپیشتازان کرگر باوغیر کرگرها و مبارزات بی گیر و بی امان(!) آنان آسمان وریسمان بهم میبافند

روزنامه آیندگان دور از غـوغای سیاست یك «داستان توده ای» را باادبیات اختراعی مکتب ما تریالیسم دیالکتیك چنین معرفی میکند:

«من اداآتم، وحشیم»
«آری عادات من وحشیانه است»
«هنوز درمرحله کودکی اما تو»
«دیروز ازیاد برده بودی که من»
«از اشیاء ناپاك تغذیه میکنم»
«وعاداتم وحشیانه است»

اما گویا ایشان اشتباه کرده اند زیرا ما هرگز ازیاد نبرده بودیم که دیروز پیشتازان برای اربابان کرملین سینه خود را چاك میزدند وامروز برای شرکت چپاولچی نفت

روزنامه ارشاد ملت نیز از این ملت ایران شمارداده است که «صنعت نفت درسراسر ایران باید ملی شود» عصبانی شده زیرعنوان «ملی شدن صنعت نفت یا یك شعار ناقص مبهم» می نویسد که ملیون ایران «ملی شدن صنعت نفت را بعنوان یك نسخه ازلی وابدی دردست داشته وبعبارت دیگر می گویند یاصنعت نفت باید درسراسر کشورملی شود یا در غیراینصورت وضع فعلی باید ادامه داشته باشد»

این جملات بیشرمانه ما را بیاد روزهائی می اندازد که توده های وسیع برای دادن امتیاز نفت بروسها متینگ می دادند وماهم راحتی اگرخدای ناکرده بجای این حلقه بگوشان امپریالیسم سرخ بودیم ازفریاد ملت ایران در باره ملی شدن صنایع وازجمله صنعت نفت چه در شمال وچه درجنوب بخود می لرزیدیم ما حق را باین روزنامه های روسی می دهیم بیچاره ها درخشکیدن عدن مستحق هستند.

واگذاری زمینهای

مانده از صفحه ۳

شرکت زنبگرهم مانند مالکین نمیتواند برای وصول اقساط از سرنیزه ژاندارم ودست بندقپانی استفاده کند.

بفرض محال باواگذاری زمینهای کشاورزی به کشاورزان دربرابر اقساط سالیانه، کشاورز بیچاره هرسال باید باتوم وسرنیزه بخورد وبه مامورین خوشه بدهد واگر یکسال محصولش را آفت زد واتوانست قسطرا بپردازد، بنیان خانه وخانواده اش را ویران می کنند وبادست بندقپانی تحویل زندانش می دهند.

ولی بگمان ما، موضوع واگذاری زمین های کشاورزی بکشاورزان ازجانب هیئت حاکمه واین دستگاه فاسدفقط برای «وقایع شمر» خوب است پیش ازاین نیز چند بره ازادابشنامه «تحول از بالا» رادیده بودیم که این «تحول ازبالا» به توهم منجر شد هما کنون کابینه تحول ازبالا بیش از ۷ ماه است که مشغول تحولات است ومطابق برنامه درمدت شش ماه ایران را بهشت برین کرده است.

تنها مردم بابهانه که نمی داند ۹ ماموریم است در بهشت برین زندگی میکند و در بجای تشکر از مامورین سپاهی انگلیس که برای ماابن همه «رجل» بدون تربیت میکنند وبلکه بوجود میاورند با ایشان سرجدال دارند

...

ملت ایران دیگر گول فریبکاره استعمار گران رانیخورد، ملت ایران میداند که این ابنه ها وسیله اجرای سیاست های شوم استعماری و برای خواب کردن اوست.

ملت ایران میداند که گرگ دلش بحال گوسفند نسوخته و برای گوسفند علف نمی آورد، بلکه در کمین است که گوسفند را طعمه سازد.

امام ملت ایران گوسفند نیست وباآنهمه نی افسونگران نیز بخواب نخواهدرفت ملت ایران میداند، پرده «واگذاری املاك بکشاورزان» ازپس «تحول ازبالا» دیر منجر به توهم میشود وتنهانتیجه اش عاید استعمار گران خون آشام خواهد شد ملت ایران میداند که اکثریت مفتخوره چپاولگر مجلس در برابر اراده آهنین وی برای ملی کردن نفت، نیروی مقاومت نخواهد داشت و گفتار فرتوت استعمار برای براه آوردن تو کــران رسیده از ترسیدهاش متوسل باسلحه «واگذاری زمینها» شده است.

ملت ایران فریب این «باغ سبز» های دروغین رانخواهد خورد ملت ایران میداند که تنها خوداوست که میتواند زمینها را بکشاورزان واگذار کند.

وعلی رغم افسون گریهای دشمنان صنعت نفت رادرسراسر ایران ملی خواهد کرد. «پارسارگاد»